

موجود است از بین خواهد رفت و این امر زمینه را برای مداخله روسیه که همین حالا نیروهای نظامی اش در منطقه جابجا می شود فراهم می کند.

اگر این وضع پیش آید، جنگ فعلی افغانستان به یک جنگ نژادی مبدل خواهد شد که در آن صورت پاکستان مخصوصاً در سرحدات که اکثراً پشتون نشین می باشد، نمی تواند از اثرات منفی آن راه گریزی داشته باشد.

بازیگران اصلی و مهم افغانستان برای جلوگیری از پیش آمدن چنین حالتی هیچ اقدامی نکرده اند. آمریکا به طالبان کمک می کند.

جنگ در افغانستان ابعاد تازه تری به خود گرفته است. اگر روسیه یا کشورهای آسیای مرکزی، هند، چین و ایران در مقابل پاکستان جبهه ای ایجاد کنند در آن صورت پاکستان به انزوا کشانیده خواهد شد. این امکان هم وجود دارد که بحران افغانستان از سین کیانگ تا دریای سیاه را با عدم ثبات مواجه سازد.

برای رهایی از این بحران یک راه خروج وجود دارد و آن این است که ایران و پاکستان کمیسیون مشترکی را تشکیل دهند تا بعد از مطالعه احوال و کیفیت بحران، راه حلی را برای قضیه جستجو کنند. اگر قرار باشد که بحران افغانستان حل شود، باید این کار در اسرع وقت انجام شود چراکه پاکستان و ایران دو کشور همسایه اند که قلباً می خواهند یک رژیم اسلامی و مستحکم در افغانستان به وجود آید.

روزنامه مسلم، ۱۱/۳/۱۹۹۷، چاپ پاکستان

اشتغال زنان در ازبکستان

تحکیم استقلال جمهوری ازبکستان، ورود آن به روابط اقتصادی جهانی و همچنین موفقیت آمیز بودن اصلاحات اقتصادی عمدتاً در گرو تکمیل سیاست اشتغال می باشد. این ناشی از آن است که در شرایط گذار مرحله ای به مناسبات بازار آزاد مسئله استفاده معقولانه از نیروهای انسانی بیش از پیش مبرم می شود.

در شرایط خاص ازبکستان، حل مسئله استفاده مؤثر از نیروهای انسانی و توجه به اشتغال زنان در دستور کار دولت قرار دارد. در ازبکستان جهت بهبود کلی وضع زنان اقدامات قاطعانه معمول می گردد. فرمان رئیس جمهور ازبکستان که در ابتدای سال ۱۳۶۹ در مورد

ارتقای نقش زنان در ساختار دولتی و اجتماعی جمهوری ازبکستان صادر شد و جذب وسیع زنان در حل و فصل مسائل توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤید این موضوع است و سعت بخشی به شرکت آنها در اداره دولتی و اجتماعی، تقویت حمایت اجتماعی خانواده، مادر و کودک از اهداف دیگر ازبکستان می باشد. قطعاً اتخاذ چنین فرمان در دورانی که در ازبکستان جریانات شکل گیری اقتصاد بازار آزاد صورت می پذیرد حاکی از آن است که از یک طرف دولت برای مسئله اشتغال زنان اهمیت زیادی قایل است و از طرف دیگر آنکه برای زنان اعتماد و احترام زیاد در نظر گرفته است.

شکل گیری اقتصاد بازار آزاد توأم با تحولات عمیق ساختاری در اقتصاد است که بر اثر آن کارخانجات غیر مؤثر و زیان آور تعطیل، منحل و تغییر جهت گیری می کنند که باعث آزاد شدن بخش اعظم کارکنان این کارخانجات و مؤسسات مذکور می شود. تجربه نشان داده است این مسئله قبل از همه شامل کارکنان با استعداد کمتر و بخصوص زنان آنانکه دارای فرزند می باشند می شود. در حال حاضر همه جا در زمینه اشتغال زنان مسائلی به وجود می آید. در سال ۱۹۹۳ در میان بیکاران، زنان ۵۴/۵ درصد را تشکیل می دادند.

سهم زنان بیکار نسبت به ۴۳/۴ درصد در سال ۱۹۹۲ در سال ۱۹۹۴، ۶۶/۶ درصد بود. وضع دیپلمه های دبیرستانها، فارغ التحصیلان مراکز آموزش متوسط حرفه ای و آموزش عالی و همچنین فارغ التحصیلان هنرستانها وخیم می باشد.

بنابه اطلاعات کمیته دولتی کمار و پیش بینی جمهوری ازبکستان سهم آنها در میان زنانی که به عنوان زنان جویای کار ثبت شده اند از ۳۱ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۴۲ درصد در سال ۱۹۹۴ افزایش یافت. علاوه بر این در زمینه های مختلف کار و معیشت تا حدی عدم تساوی، (نابرابری) بین مردان و زنان وجود دارد که در زیادی کار زنان در محل کار و منزل دیده می شود و ممکن است به استرسها و مشکلات اجتماعی بزرگی منجر شود. بدین دلیل در تحقق سیاست اجتماعی مورد نظر در جمهوری ازبکستان به حل مسئله زنان توجه خاص مبذول می شود. مسیر اولویت دار سیاست اشتغال باید استفاده مؤثر کار زنان و تأمین اشتغال مناسب آنها باشد. جدیت در انجام کار و پذیرش مسئولیت در بین زنان جمهوری ازبکستان به طور قابل ملاحظه ای بزرگ است. براساس نظرخواهی از زنان ۵۹/۲ درصد آنها به دلیل اینکه به درآمد (پول) نیاز دارند ۱۲/۱ درصد زنان به دلیل اینکه نمی خواهند خود را فقط در چارچوب خانواده محدود سازند و فقط ۳/۸ درصد زنان برای تجلی استعدادهای خود کار می کنند. برای مقایسه باید خاطر نشان ساخت که در اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی جهان در

سالهای ۱۹۸۰ سهم زنان مشغول به کارهای مختلف اجتماعی افزون بر ۴۰ درصد نبود. اشتغال تخصصی زنان ازبکستان را نمی‌توان در مقایسه با دیگر کشورهای پیشرفته جهان مترقی دانست. مثلاً ۷۵ درصد زنان مشغول به کار در کشورهای پیشرفته صنعتی در زمینه خدمات کار می‌کنند. بیش از ۱۵ درصد آنها در صنایع و فقط ۵ درصد آنها در کشاورزی مشغول هستند. در ازبکستان ۴۰ درصد زنان شاغل در رشته‌های غیرتولیدی، قریب ۲۲ درصد در صنایع و ۲۳ درصد در کشاورزی اشتغال دارند. اینجا لازم به یادآوری است که در کشورهای دارای اقتصاد بازار آزاد، زنان زیادی به فعالیت تجاری و کارفرمایی اشتغال دارند در کانادا زنان دوسوم کارخانجات و شرکتهای جدید را ایجاد می‌کنند، در آمریکا در مالکیت ۲۵ درصد شرکتهای شریک هستند. از تعداد کل کارفرمایان، در فتلاند زنان ۳۰ درصد، در سوئد ۲۵ درصد را در فرانسه ۲۱ درصد را تشکیل می‌دهند. بنابه اطلاعات کمیته آمار دو درصد زنان جمهوری ازبکستان به فعالیت کارفرمایی مشغول هستند.

در حال حاضر، مثل دوران گذشته زنان ازبکستان در افزایش تعداد کارگران و کارکنان نقش قابل ملاحظه‌ای دادند. در جریان سالهای ۱۹۹۰-۱۹۸۶ سهم زنان در رشد تعداد کارگران و کارکنان ۶۳/۲ درصد بود. در سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۱ تمام افزایش (نرخ) تعداد کارکنان و کارمندان نصیب زنان شد. در مرحله اول این حالت به افزایش نیازمندی به نیروی زنان در رشته‌های مختلف اقتصاد ملی، رشد اقتصاد جمهوری ازبکستان، گسترش زمینه‌های کاربرد نیروی زنان مقید است.

باید خاطر نشان ساخت که مشکلات دوران گذار بویژه در مرحله اول آن به‌طور قابل ملاحظه‌ای در سطح زندگی مردم منعکس شد. در ازبکستان که متوسط جمعیت خانواده ۵/۵ نفر است، تأمین هزینه یک خانواده از محل حقوق یک عضو خانواده مشکل است لذا این امر موجب افزایش تعداد زنانی شد که می‌خواهند از طریق شرکت در فعالیتهای اجتماعی بودجه خانواده را تکمیل نمایند.

در ازبکستان به جریان رشد جلب زنان به شرکت در کارهای اجتماعی، آموزش و پرورش نیز مساعدت می‌نماید این به‌نوبه خود موجب افزایش سهم زنان در ترکیب کارشناسان دیپلمه و فارغ‌التحصیلان ازبکستان می‌گردد. تعداد زنان کارشناس با تحصیلات عالی و متوسط حرفه‌ای که در اقتصاد ملی مشغول هستند از ۵۲۱/۵ هزار نفر در سال ۱۹۸۰ به ۸۶۰ هزار نفر در سال ۱۹۹۱ و یا به گفته دیگر ۶۷ درصد رسید و سهم آنها در تعداد کل کارشناسان از ۴۸/۲ درصد به ۵۱/۳ درصد افزایش یافت.

اصلاحات سیستم اداری که در اواسط سالهای ۱۹۸۰ شروع شده است موجب کاهش تعداد کارمندانی که در دستگاه اداری مشغول هستند شد که آن را می توان به طور کلی مثبت ارزیابی کرد. ولی باید خاطر نشان ساخت که تعداد کارکنان این زمینه عمدتاً به حساب زنان طی ده سال (۱۹۹۱-۱۹۸۱) بویژه کارکنان دستگاه اداری (مدیریت) به ۱۹/۱ هزار نفر کاهش یافت. ضمناً در این فاصله زمانی از دستگاه اداری ۱۹/۶ هزار نفر زن اخراج شدند؛ در صورتی که ۵ هزار نفر از مردان وارد این سیستم شدند. علت کاهش شدید سهم آموزش و پرورش در رشد عمومی رشته های مختلف این است که در شرایط گذار به مناسبات بازار آزاد مردم در انتخاب زمینه فعالیتها، بیشتر رشته هایی را ترجیح می دهند که درآمدش بیشتر باشد. افزایش قیمتها و تورم، عواقب دیگر منفی خاص دوران گذار، به سطح زندگی مردم به طور قابل ملاحظه ای تأثیر می گذارد. قبل از همه بر زندگی کسانی تأثیر می گذارد که در رسانه های بوجه ای کار می کنند. مؤسسات آموزش و پرورش نیز جزو آنها است؛ زنان با داشتن سطح عالی آموزش نسبت به مردان، از مهارت کار پایین برخوردار هستند. معلوم است که شاخص موجودیت و استفاده وقت آزاد بهترین نشانگر سطح توسعه جامعه و افراد آن می باشد.

باید خاطر نشان ساخت این شاخصها نمودار ارزشهای مردم نیز می باشد. اینجا منظورمان نسبت به زنان است. بدین ترتیب ۴۱/۹ درصد زنان که مورد همه پرسی قرار گرفتند پاسخ دادند گاهی اوقات در وقت آزاد خود روزنامه و مجله می خوانند، ۲۶/۲ درصد خیلی کم می خوانند، ۳۶/۷ درصد اصلاً به تئاتر، سینما نمی روند و ۶۷ درصد اصلاً به سخنرانی های آموزش عمومی نمی روند، ۳۲/۱ درصد بندرت کتابهای داستانی را می خوانند. اینها همه البته به سطح فکری زنان تأثیر منفی می گذارد و در نهایت در کیفیت پرورش کودکان تأثیر منفی خواهد گذاشت. بدون شک مبانی رشد عقلی کودکان در خانواده پایه گذاری می شود و نقش مادر در آن زیاد است. بدین سبب خاتمه دادن به مشغول بودن بیش از حد زنان، افزایش وقت آزاد آنها نه تنها به رشد عمومی زنان بلکه جامعه نیز مساعدت می نماید.

بهترین تناسب در تقسیم بندی نیروهای کاری زنان در اقتصاد ملی، امور معیشتی و آموزش به شرح ذیل می باشد:

۶۸-۶۷ درصد در اقتصاد ملی و ۱۱-۱۰ درصد آموزش و پرورش (لازم به یادآوری است که بازار آزاد در ارتباط با کیفیت نیروی کارگری از جمله زنان روزبه روز درخواستهای جدیدی را ارائه می کند).

ارسالی از نمایندگی جمهوری اسلامی ایران - تاشکند